

## پژوهشی در باب دعای ابو حمزه ثمالی



مقدمه

خداوند انسان را با فطرتی کمال طلب خلق کرده تا همواره به دنبال کمال مطلق باشد. برای رسیدن به کمال، به بنده چراغ عقل بخشید و انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام را هدایتگر و الگوی او قرار داد و برای این که در مسیر رسیدن به کمال خطایی رخ ندهد به آنان عصمت بخشید تا گفتار و رفتارشان بدون خطا و با اطمینان خاطر روشنگر راه کمال باشد. تنها راه رسیدن به کمال، انجام اطاعت و عبادت خداست و از آن جا که عقل بشر نمی‌تواند به طور مستقل به ماهیت تمام عبادات و چگونگی انجام آن‌ها پی ببرد، ناچار است به معصومین (ع) رجوع کند و بی‌کم و کاست شیوه آنان را در پیش گیرد. در دعا کردن نیز که نوعی عبادت است و یکی از راه‌های برقراری ارتباط با خدا به شمار می‌رود، باید روش و سیره معصومین علیهم‌السلام را به کار گرفت. از این میان دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد (ع)، یکی از ادعیه‌ای است که مباحث اعتقادی و اخلاقی فراوانی را در خود گنجانده است. امام سجاد (ع) در دوران اختناق اموی، به شدت تحت نظر بود، به همین علت تنها سلاح برنده و موثر در برابر سیل هجوم ظلم و تعدی و انحراف حاکمان وقت را دعا و مناجات دانست و رسالت الهی و نورانی خود را در قالب دعا متبلور ساخت. امام، ضمن دعا و راز و نیاز عالی‌ترین معارف بشری و پربارترین فضایل عالی انسانی را در اختیار طالبان و عاشقان آن معارف قرار می‌دهد. ثابت بن ابی‌الصفیه دینار از دی ثمالی کوفی، از صحابه علی بن حسین (ع)، محمد بن علی (ع) و جعفر بن محمد و از زهاد و مشایخ و مفسران و جامعان حدیث و راویان ثقه و مورد اعتماد شیعه است.<sup>۱</sup> نجاشی او را از موالی آل مهلب یا مولای مهلب بن ابی‌صفیره از دی و علامه حلی و بعضی از علمای رجال او را عربی و از بنی ازد دانسته‌اند.<sup>۲</sup> ابو حمزه صاحب کتابی در تفسیر و حدیث به نام تفسیر القرآن و التواریخ است. از دیگر تألیفاتش رساله‌ای است در حقوق که از علی بن حسین (ع) روایت کرده است. اثر دیگر او کتاب الزهد است.<sup>۳</sup> در فضایل ابو حمزه ثمالی روایاتی نقل شده که برای نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم. فضل بن شاذان از علی بن موسی‌الرضا (ع) روایت کرده است که ابو حمزه ثمالی مقام لقمان زمانش را داشته زیرا به چهار تن از ما

خدمت کرد. علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد و برهه‌ای از عصر موسی بن جعفر، صلوات خداوند بر ایشان باد. یونس بن عبدالرحمن نیز چنین است و او مسلمان زمان خودش است.<sup>۴</sup> از علی پسر ابو حمزه روایت شده است که امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمودند: وقتی برگشتی، سلام ما را به ابو حمزه ثمالی برسان و بدان که او فلان ماه و فلان روز خواهد مرد. ابو بصیر گفت: فدایت شوم، به خدا قسم او مردی با محبت و از شیعیان شما بود. فرمود: راست گفتی. آنچه نزد ماست برای شما بهتر است. عرض کردم آیا شیعه شما با شما خواهد بود؟ فرمود: اگر از خدای بترسد، خود را از گناهان حفظ کند. در درجات ما خواهد بود. ابو بصیر گوید: ما در همان سال برگشتیم و ابو حمزه بعد از زمانی اندک وفات یافت. رحمت خدای بر او باد.<sup>۵</sup> ابو حمزه همچنین از انس بن مالک (۹۳-۱۰ ق) و عامر بن شواحیل شعبی تابعی (۱۰۳-۱۹ ق) و ابن اسحاق و ابو عمرو زاذان و سالم بن ابی الجعد نیز استماع حدیث کرده است.<sup>۶</sup> زیست‌نگاران از جمله طوسی، نجاشی و علامه حلی، سال وفات ابو حمزه ثمالی را ۱۵۰ قمری ثبت کرده‌اند.

### معرفی دعای ابو حمزه ثمالی

با دقت در آیات و احادیث معصومین (ع) به این نتیجه می‌رسیم که هدف از خلقت جهان هستی و محور آفرینش آسمان‌ها و زمین، انسان است: «و هو الذی خلق السموات و الارض فی ستة ايام و كان عرشه علی الماء لیلو کم ایکم احسن عملاً» (و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید) (هود/۷).<sup>۷</sup> خداوند هدف از خلقت انسان را عبادت معرفی می‌کند و این مهم جز با معرفت خداوند حاصل نمی‌شود. «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (و جن و انس را نیافریدم جز برای این که مرا بپرستند) (ذاریات/۵۶).

عبادتی که انسان برای آن خلق شده، عبادتی است که فرشتگان قادر به انجام آن نیستند. امام صادق (ع) در روایتی، مفهوم عبادت را تبیین کرده‌اند. ایشان، عبادت انسان‌ها را سه‌گونه معرفی می‌کنند: گروهی که خداوند را به خاطر ترس از عذاب عبادت می‌کنند و این عبادت بردگان است؛ گروهی

که خداوند را به خاطر بهشت عبادت می‌کنند و این عبادت بازرگانان است و گروهی که خداوند را به خاطر حب و دوستی عبادت می‌کنند و این عبادت کریمان است. پس عالی‌ترین شکل عبادت عبادتی است که از سر عشق و محبت باشد. «انا جعلنا ما علی الارض زینة لهما لیلو کم ایکم احسن عملاً» (در حقیقت ما آنچه که در زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند) (کهف/۷).

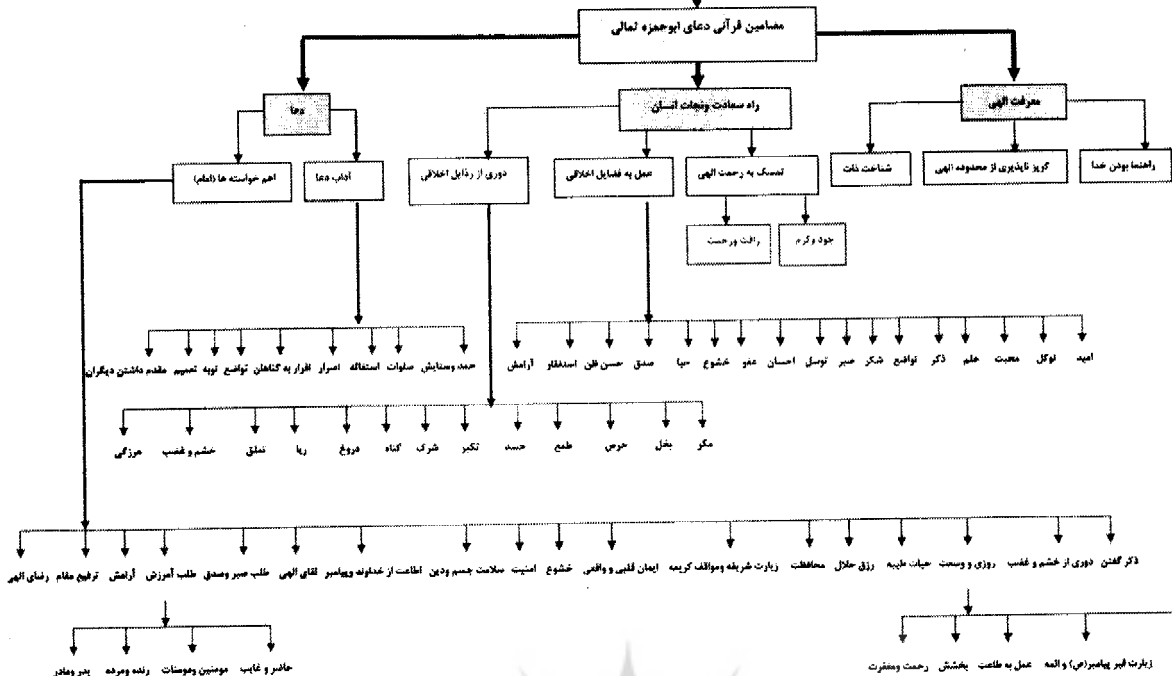
«الذی خلق الموت و الحیوة لیلو کم ایکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور» (و همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامین نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده) (ملک/۲). خداوند با آفرینش جهان و مرگ و زندگی در جستجوی نیکوکارترین بندگان است. آنان که از روی عشق و محبت او را انتخاب می‌کنند.

البته در قرآن به وجوه دیگری از هدف خلقت انسان از قبیل رحمت امتحان، آزمایش، خلافت و جانشینی خداوند نیز اشاره شده که در حوزه بحث ما نمی‌گنجد. علامه طباطبایی می‌فرماید: چون غرض اصلی پدید آمدن انسان کامل است اما مرحله نقص آن منظور نیست. اگر در بین انسان‌ها افرادی باشند که از هر جهت برتری داشته باشند، غایت و غرض اصلی از خلقت آسمان‌ها و زمینند. برای این که جمله ایکم احسن عملاً می‌فهماند که مقصود اصلی مشخص کردن کسی است که بهتر از دیگران عمل می‌کند. چه این که آن دیگران اصلاً عمل خوب نداشته باشند و یا داشته باشند، ولی به پایه آنان نرسند.

مشخص کردن کسی که عملش از عمل همه افراد بهتر باشد، غرض و مقصود خلقت است. به این ترتیب معنای حدیث قدسی خدای تعالی که طی آن خطاب به پیامبر (ص) فرمود: «لولاک لما خلقت الافلاک» (اگر در نظر نبود، افلاک را نمی‌آفریدم)، روشن می‌شود. چرا که آن جناب از تمامی افراد بشر، افضل است.

پس هدف از خلقت، ظهور انسان‌های کامل و برجسته‌ای است که در بالاترین درجه شناخت حق تعالی قرار دارند و حقیقت عبودیت و بندگی در درونشان جلوه‌گر شده است.

پیشوایان معصوم (ع) مصادیق انسان‌های کامل و برگزیده‌ای هستند که به مثابه مشعل‌هایی فروزان



خود پروریدی و برای آخرت به عفو و کرم اشارت فرمودی. یا اشاره می کند: سیدی أَنْ الصَّغِيرُ الَّذِي رَيْبُهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلِمْتَهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتَهُ وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَالْعَامَى الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرَ الَّذِي أَعْيَنْتَهُ وَالضَّعِيفَ الَّذِي قَوَيْتَهُ وَاللَّيْلِي الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ أَقَابِي مِنْ، من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که راهنماییش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه ای هستم که سیرش کردی و تشنه ای هستم که سیرایش کردی و برهنه ای هستم که پوشانیدش و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی.

**۲. راه سعادت و نجات انسان**

محور دوم بحث امام در دعا، راه سعادت و نجات انسان (اخلاقیات) است که در سه موضوع به تصویر کشیده می شود.

**۲.۱. تمسک به رحمت الهی**

این موضوع در فرازهای متعددی تکرار شده است: جود و کرم و رفت و مهربانی خداوند ما را دوباره به سوی خود رهبری می کند: حَجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جِرَانِي عَلَى مَسَلَّتِكَ مَعَ آتِيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ وَعَنْتِي فِي سَلْتِي مَعَ قَالِهِ حَيَاتِي رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ دِينِ دَلِيلٍ وَبَهَانَةٍ مِنْ، ای خدا در این که دلیری کنم در

مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من با حیله‌ات، از کجا خیری به دست آورم ای پروردگار من، با این که خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا نجاتی برایم باشد، با این که نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو، نه آن کس که نیکی کند، بی نیاز است از کمک تو و رحمتت و نه آن کس که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودیت نجوید، از تحت قدرت تو بیرون رود.

**۱.۲. شناخت ذات**

[بِكَ] عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ: ای پروردگار من ... به وسیله خودت من ترا شناختم و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و به سوی خود خواندی و اگر تو نبود، من ندانستم که تو کسیتی. کلام مشابه امام در دعای صباح که می فرماید: یا من دل علی ذاته بذاته.

**۱.۳. راهنما بودن خداوند**

امام در فرازهای متعددی به این مهم اشاره دارد، مثلاً آن جاکه بحث خالقیت مطرح می شود، چون الله خالق است و چگونگی زیست را او فراهم می سازد، می فرماید:

الْهِي رَيْبَتِي فِي نِعْمِكَ وَأِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَهْتًا بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَأْمَنُ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِأِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ: خدایا مرا در خردسالی در نعمت‌ها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبان‌ها بلند کردی، پس ای که در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمت‌های

هدایت جامعه بشری به سوی خداوند را عهده‌دار شده‌اند انسان‌هایی که حقیقت عبادت در تمام اعمال و رفتار آن‌ها بروز دارد و در عبادتشان هیچ ناخالصی به چشم نمی خورد. گفتار، خوی و منش آن‌ها، ترسیم‌گر حیات طیبه انسانی و وجودشان، تبلور تمامی ارزش‌های الهی است.

اما سجاد (ع) به عنوان یک انسان کامل، ابوابی از معارف و علوم اسلامی را در قالب دعا و مناجات به روی بندگان خود می گشاید.

دعای ابو حمزه ثمالی، یکی از دعاهایی است که امام سجاد (ع) در سحرهای ماه رمضان تلاوت می کرد. در این نوشتار به محورهای این دعا اشاره می کنیم.

**۱. معرفت الهی**

امام در سراسر این دعا، هدف نهایی تربیت را خداوند متعال معرفی می کند و در تمام فرازها با زبان دعا و مناجات، به آن حقیقت یکتا راهنمایی می کند. محور اول بحث امام، معرفت الهی است. معرفت خداوند یکی از اهداف مهم و کلید رسیدن به هدف نهایی است. در این محور به سه موضوع اشاره می شود.

**۱.۱. گریز ناپذیری بنده از محدوده**

**حکومت الهی**

الْهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حَيْلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوَجِّدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاهُ وَلَا تَسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنِي عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ: خدایا

سوال کردن از تو، با این که رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم توست و ذخیره من در سختیم با بی شرمی من، همان رفت و مهربانی توست. یا در فراز دیگر: **و لا تَوَاخِذْنِي بِأَسْوَةِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنِ مَجَازَةِ الْمُنْبِيِّينَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهَكَ:** مرا به بدترین عملم مواخذه مکن، زیرا کرم تو برتر است از مجازات گنهکاران، به فضل خویش ببخش، با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود ببوشان و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر؛ در فراز دیگری: **عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذُّنُوبَ بِكَرَمِكَ** پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی، گناه را به کرمت می پوشانی؛ در فراز دیگری: **أَلْهَمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَمِعَ رَحْمَتِكَ:** شناسایی کرمت و رحمت و وسعت به دلم الهام شده است در فرازی دیگر: **إِلَهِي إِنْ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي:** خدایا به راستی بخشش تو آرزویم را گسترانید؛ یا در فرازی دیگر: **و بِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي:** به جود تو خواهشیم را می جویم؛ در فرازی دیگر: **رَبِّ جِلْنِي بِسِتْرِكَ وَ أَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهَكَ:** به فضل خویش ببخش، با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود ببوشان.

همچنین در فرازهای متعددی به رحمت الهی اشاره شده است. مثلاً: **مَعْرِفَتِي بِسَمَةِ رَحْمَتِكَ وَ عَظِيمِ عَفْوِكَ:** و همان معرفتی که من به فراخی رحمت دارم و بزرگی عفو تو (مرا به دست زدن به کارهای حرام شتابان می کند) یا در فرازی دیگر: **وَ بِرَحْمَتِكَ فَخْلَصْنِي:** و به رحمت خلاصم کن. یا در فرازی دیگر: **يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ أَيُّ دُو دَسْتٍ بِرَحْمَتِ بَازٍ:** و فرازی دیگر: **وَأَنْتَ الْجُودُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَ لَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَ لَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَ قَدْ تَوَقَّفْنَا مِنْكَ بِالصُّبْحِ الْقَدِيمِ وَ الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَ الرَّحْمَةِ الْوَالِيسَةِ** تویی بخشایندهای که تنگ ناید عفو تو و کاهش نیابد فضل و بخششست و کم نگردد مهر و رحمت و ما به آن چشم پوشی دیرینه و فضل عظیمت و رحمت پهناور اعتماد کرده ایم.

## ۲.۲. عمل به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی

تربیت اخلاقی و روحی انسان برای هر جامعه ای، امری مهم و حیاتی است. همه گرفتاری های موجود در جهان، ناشی از غفلت انسان از تربیت و سازندگی روحی و اخلاقی است. اصلاح و تهذیب نفس گامی اساسی در کسب فضایل و دوری از رذایل اخلاقی است. موضوع دوم و سوم در محور اخلاقیات، عمل به فضایل اخلاقی [محبته امید، ذکر، توکل، توسل، استغفار، حلم، احسان، صبر و... و دوری از رذایل اخلاقی [مکر، بخل، حسد، حرص، طمع، تکبر، شرک و... است] یعنی حسنات را انجام دادن و

از سیئات دوری کردن.

## ۳. دعا

محور بعدی بحث امام دعاست. امام دعاشناسی را با دعا به ما می آموزد. ادعیه حضرت، از ایمان عمیق ایشان به خدای سبحان و کمال معرفت شان به ذات مقدس آفریدگار سرچشمه می گیرد.

در این محور به دعا اشاره می شود:

۳.۱. **بِازِ بُوْدِنِ رَاهِ بَرَايِ هَمِه: اَللّٰهُمَّ فِیْ اَجْدِ سَبِيْلِ الْمَطَالِبِ اَلْيَكِ مَشْرَعَةً وَمَنْاهِلِ الرَّجَاءِ اَلْيَكِ مَتْرَعَةً وَ اَبْوَابِ الدَّعَاۗءِ اَلْيَكِ لِلصَّارِحِيْنَ مَفْتُوْحَةً:** خدایا من همه راههای مقاصد را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید را به سوی تو سرشار می یابم و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندانست مباح و بی مانع است و درهای دعای به سوی تو برای فریادکنندگان باز است. ۳.۲. **عَدَمِ تَكِيْهِ بِرِ غَيْرِ:** داعی باید به دیگران توجه نکند و فقط قصد خدا کند و به درگاه او روی بیاورد: **وَ قَدْ قَصَدْتُ اَلْيَكِ بِطَلِبَتِي وَ تَوَجَّهْتُ اَلْيَكِ بِحَاجَتِي وَجَلَّتْ بِكَ اَسْتِغَاثَتِي:** و من با مطلبی که دارم، قصد تو را کرده و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم. ۳.۳. **دَعْوَتِ ذَاتِ اَقْدَسِ اِلَهِي: اَعْلَمُ اَنْكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اِجَابَةٍ وَ لِّلْمَلْهُوْفِيْنَ بِمَرْصَدِ اِغَاثَةٍ:** به خوبی می دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آمده ای و برای فریادرسی انده گینان مهربای فریادرسی.

## آداب دعا

### ۱. حمد و ستایش

دعاکننده باید دارای شرایطی باشد تا اثر اجابت مشهود گردد. یکی از آداب و سنن قبل از دعا حمد و ستایش خداوند است، چنان که حضرت در این دعای شریف این رویه را معمول داشته و در مقدمه، زبان به حمد و ستایش خدای تعالی گشوده است: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَدْعُوْهُ فَيَجِيْبُنِيْ وَ اِنْ كُنْتُ بَطِيْئًا حِيْنَ يَدْعُوْنِي:** ستایش خدای را که می خوانمش و او پاسخم دهد و اگر چه وقتی می خواندم، بکندی به درگاهش روم؛ **وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَسْأَلُهُ فَيُعْطِنِيْ وَ اِنْ كُنْتُ بِخِيَالٍ حِيْنَ يَسْتَقْرِضُنِي:** و ستایش خدای را که می خواهم از او و به من عطا می کند و اگر چه در هنگامی که او از من چیزی قرض خواهد من بخل کنم؛ **وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اُنَادِيْهِ كَلِمًا شَتَّتْ لِحَاجَتِي وَ اَخْلُوْا بِه حَيْثُ شَتَّتْ لِسْرِيْ بَغِيْرِ شَفِيْعِ قَيْضِيْ لِيْ حَاجَتِي:** و ستایش خدای را که هرگاه برای حاجتی بخوام او را ندا کنم و هر زمان بخوام برای راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد؛ **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَا اَدْعُوْهُ غَيْرَه وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَه لَمْ يَسْتَجِبْ لِيْ دُعَاۗئِيْ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَا اَرْجُوْ غَيْرَه وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَه لَاخْلَفَ رَجَاۗئِي:** ستایش خدای را که جز او کسی را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می خواندم، دعایم را مستجاب نمی کرد؛ **وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ وَكَلَّتْ اِلَيْهِ فَاكْرَمُنِيْ وَ لَمْ يَكِلْنِيْ اِلٰی**

النَّاسِ فَيَهِيْنُوْنِي: و ستایش خدای را که به جز او امید ندارم و اگر به غیر او آمیدی داشته ام، نامیدم می کرد و ستایش خدای را که مرا به حضرت خود واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوار کنند؛ **وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ تَحِيْبُ اِلَيّْ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّيْ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ يَحْلُمُ عَنِّيْ حَتّٰى كَتَبْتُ لَا ذَنْبَ لِيْ فَرَبِّيْ اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِيْ وَ اَحَقُّ بِحَمْدِي:** و ستایش خدای را که با من دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدای را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که گویا گناهی ندارم، پس پروردگار من ستوده ترین چیزهاست نزد من و به ستایش من سزاوارتر است.

## ۲. صلوات

صلوات بر محمد و آل محمد نیز از آداب و شرایط دعاست. امام می فرماید: **وَ الْحَقْنِيْ بِاَوْلِيَاۗئِكَ الصَّالِحِيْنَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيْبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْاٰخِرِيْنَ صَلُوْاۗئِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى اٰجْسَادِهِمْ وَ اَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَةِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتِهِ:** و ملحقم کن به دوستان شایسته ات، محمد و آلش، آن نیکان پاک پاکیزه و برگزیده دروهای تو بر ایشان و بر جسدهایشان و بر ارواحشان و رحمت خدا و برکاتش.

## ۳. استغاثه

امام سجاد می فرماید: **سَيِّدِيْ فَمَنْ اَسْتَعِيْثَ اِنْ لَمْ تَقْلُنِيْ عَثْرَتِي:** آقای من پس به که استغاثه کنم، اگر تو لغزشم را نادیده نگیری؛ یا در فرازی دیگر: **وَ جَلَّتْ بِكَ اَسْتِغَاثَتِي:** و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم. امام سجاد (ع) هنگام مناجات حالت استغاثه داشته است. در قرآن کریم نیز به استغاثه اشاره شده: **ادْتَسْتَعِيْثُوْنَ بِرَبِّكُمْ فَاسْتَجَابْ لَكُمْ اَنّٰى مَدَدَكُمْ بِالْفِیْءِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَرْدِفِيْنَ (و بیاورید هنگامی را که زاری به پروردگار خود می کردید، پس دعای شما را اجابت کرد و (وعده داد) که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می فرستم) (انفال ۹۷).**

امام در فراز دیگری می فرماید: **فَمَا لِيْ لَا اَبْكِيْ اَبْكِيْ لَخُرُوْجِ نَفْسِيْ اَبْكِيْ لِظُلْمَةِ قَبْرِیْ اَبْكِيْ لِضِيْقِ لِحْدِيْ اَبْكِيْ لِسُؤَالِ مَنْكِرٍ وَ نَكِيْرٍ اَيُّ اَبْكِيْ لِخُرُوْجِيْ مِنْ قَبْرِیْ عَرِيْنَاۗءًا دَلِيْلًا حَامِلًا تَقْلِيْ عَلٰى ظَهْرِي:** پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم، گریه کنم برای تاریکی قبرم، گریه کنم برای تنگی لحدم، گریه کنم برای سوال نکیر و منکر از من، گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را به پشتم بار کرده. در فرازی دیگر: **وَ مَا لِيْ لَا اَبْكِيْ وَ لَا اَدْرِيْ اِلٰی مَا يَكُوْنُ مَصِيْرِيْ وَ اَرٰى نَفْسِيْ تُخَادِعُنِيْ وَ اَيَّامِيْ تُخَاتِلُنِي:** و چرا گریه نکنم، در صورتی که نمی دانم به چه سرنوشتی دچار گردم، من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد.

#### ۴. اصرار

الحاج و اصرار در دعا، گاهی به تکرار یک جمله است و گاهی به تکرار یک مضمون در عبارات گوناگون. امام صادق (ع) می‌فرماید: قسم به خدا، چون بنده‌ای در حاجت خود اصرار کند، خداوند حاجتش را برآورد.

امام سجاد (ع) در این دعا در فرازهای متعددی به بخشش گناهان اصرار می‌ورزد و از خداوند با مضمون‌های گوناگون تقاضای عفو می‌کند، مثلاً: **فَإِنَّ عَفْوَكَ فَخَيْرٌ رَأْحِمٍ**: خدایا اگر بگذری، بهترین مهرورزی. در فرازی دیگر: **سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَاعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ: أَي أَقَابِهِ** آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده؛ در فرازی دیگر: **هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ**: به فضل خویش ببخش، با عفو خود بر من نیکی کن.

در فرازی دیگر: **وَجَلَنِي بَسِطِكَ وَأَعْفَ عَن تَوْبِيحِي بِكَرَمٍ وَجْهَكَ** با عفو خود نیکی کن و با پرده‌پوشی‌ات ببوشانم و در گذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذاتت؛ در فراز دیگری: **الهِی اِنَّ عَفْوَكَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ**: خدایا اگر در گذری، کیست که سزاوارتر از تو به گذشت باشد. در فراز دیگر: **وَتَعَفُّو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا**: و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری؛ یا در جایی دیگر **بِالْعَفْوِ كَفْتَنَ**، خواسته‌هایش را بیان می‌کند: **وَإِنَّا أَمَا بِكَ يَا بَسِطَنَا وَقُلُوبَنَا لَتَعْفُو عَنَّا**، به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری.

#### ۵. اقرار به گناهان

امام ضمن این که در دعایش، بر طلب بخشش اصرار و الحاح می‌کند، یکی از آداب دیگر دعا را که اقرار به گناهان است، به ما تعلیم می‌دهد. طبق آیه ۱۶ سوره قصص که موسی (ع) فرمود: **قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي** (ای خدا من بر خویشتم ستم کردم)، نیز امام سجاد (ع) دعا در یکی از فرازهای می‌فرماید: **أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي يَلْسَانُ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ: أَي أَقَامِي** من، به زبانی که گناه لالش کرده با تو راز گویم. در فرازی دیگر: **إِنَّا رَأَيْتَ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتَهُ أَي مَوْلَايَ** من هنگامی که گناهانم را مشاهده می‌کنم هراسان شوم. در فراز دیگر: **يَا عَفَّارُ بَنُورِكَ اهْتَدَيْتَنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْتَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ: أَي أَمْرُنَدَه** به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی‌نیازی جستیم و به نعمت تو؛ **أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَفْرِكُ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَوْتُبْ إِلَيْكَ**: صبح و شام کردیم، گناهان ما پیش روی توست که ما از آن‌ها آموزش خواهیم و به سویت توبه کنیم. در فرازی دیگر: **أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتَ إِلَيْهَا أَسْعَى: مِنْهُمَ أَنْ كَسَى** که هر گاه نوید گناهی را به من می‌دادند به سوبش شتابان

می‌رفتم. در فرازی دیگر: **فَقَدْ جَعَلْتَ الاعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِنَفْسِي: مِنْ اعْتِرَافٍ** به گناهم را وسیله عذر خویش به درگاہت قرار دهم.

اقرار به گناهان در فرازهای متعدد دیگر نمودش مشهود است که در بحث تکبر نیز پرداخته می‌شود.

#### ۶. تواضع و فروتنی

طبق آیه ۵۵ سوره اعراف، یکی از آداب دعا تواضع و فروتنی است. امام سجاد (ع) نیز در دعای خود نهایت تواضع را به نمایش می‌گذارد که در فصل‌های بعد به آن اشاره می‌کنیم. ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة انه لایحب المعتدین (پرودگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد).

#### آداب دیگر دعا

از آداب دیگر دعا استغفار، بیم و امید و داشتن حسن ظن نسبت به خداوند است.

تعمیم و مقدم داشتن دیگران نیز از شرایط دعاست. امام در فرازهایی از دعا، طلب آموزش را برای همگان مقدم می‌شمارد: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم بِالْخَيْرَاتِ**: خدایا بیامرز مردان و زنان باایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را به نیکی‌ها؛ **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَبِيبِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَذَكَرْنَا وَأَنْثَانَا**: خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛ **صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّتَنَا وَمَمْلُوكِنَا**: کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را؛ در فرازی دیگر: **اللَّهُمَّ اعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَالِدِي وَأَهْلَ حُرَّتِي وَأَخْوَانِي**: خدایا عطاکن به من خواسته‌ام را در مورد خود و خانواده و پدر و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینی‌ام.

#### اهم درخواست‌ها

در فرازهای پایانی دعا، امام به اهم خواسته‌های خود می‌پردازد. امام پس از زمینه‌سازی و اقرار به وحدانیت و طلب بخشش از خداوند چه می‌خواهد؟ به عبارت سیدی، سیدی، سیدی متوسل می‌شود و سپس مهم‌ترین درخواست‌های خود را طلب می‌کند.

۱. ذکر گفتن: **اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ**: خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن؛

۲. دوری از خشم و غضب؛ **وَاعْذِنَا مِنْ سَخَطِكَ**: خدایا ما را از خشم و غضب پناه ده؛

۳. دوری از عذاب؛ **وَاجْرِنَا مِنْ عَذَابِكَ**: خدایا ما را از عذاب امان مان ده؛

۴. روزی و وسعت؛ امام در این مرحله رزق‌هایی بالاتر از نان و آب طلب می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید: **وَأَرْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ مَعْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ أَتَّك قَرِيبٌ**

مُجِيبٌ وَأَرْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ: روزی ما کن حج خانهات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت و آموزش و خوشنودیت بر او و بر خاندانش باد که به راستی تو به خلق نزدیکی، اجابت‌کننده دعایی و عمل به طاعتت را روزی ما گردان؛ در فرازی دیگر: **وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالْأَخْلَاقَ مِنْ رَبِّكَ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ** و روزی من کن حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه علیهم‌السلام را و محروم مکن پروردگارا از زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاه‌های گرامی؛ در فرازی دیگر: **وَأَرْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعَمِ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ**: از بخشش‌هایت روزیمان گردان و از فضل خود بر ما انعام کن.

۵. طلب آموزش؛ به مصداق آیه **مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ** نتیجه و بازگشت هر عملی، متوجه نفس انسانی است و هر کس کار نیکو و شایسته‌ای انجام دهد، اجر او نزد خداوند محفوظ است. از این جهت است که حضرت به پدر و مادر و تمام اهل ایمان، چه آن‌ها که بعدها به عالم وجود پا می‌گذارند و چه آن‌ها که از این عالم گذشته‌اند، همه را دعا می‌کند و تعلیمات ثمربخشی به داعی می‌دهد. **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم بِالْخَيْرَاتِ وَغَائِبِنَا وَشَاهِدِنَا وَذَكَرْنَا وَأَنْثَانَا** صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّتَنَا وَمَمْلُوكِنَا: خدایا بیامرز مردان و زنان باایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را به نیکی‌ها، خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛ کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را.

۶. حیات طیبه؛ **وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهَرْ مَرْوَتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَّلَتْ عَمْرَهُ وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوَهُ وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوَهُ**: زندگیم را خوش و فراخ گردان و مردانگیم را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و برگردانم از کسانی که عمرش را طولانی و کردارش را نیکو و نعمتت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته‌ای و زندگی پاکیزه‌ای به او بخشیده‌ای.

۷. رزق حلال؛ **وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا**: و از فضل خویش روزی فراخ و حلال و پاکیزه برای من روزی گردان. امام تقاضای روزی زیاد و حلال کرده است و این از مهم‌ترین تعلیماتی است که آن بزرگوار به یاران خود آموخته، همچنان که خداوند در قرآن کریم نیز به این موضوع تاکید کرده



است: یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم و اشکروا لله (ای کسانی که ایمان آوردید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید) (بقره/ ۱۷۲).

از این جهت است که امام، خواهان آن چیزی است که رضایت الهی در آن است و خود به تحصیل آن امر فرموده است.

۸. محافظت: اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ: خدایا به نگهداری خود مرا نگهداری فرما و به حفظ خود حفظم کن.

۹. زیارت مشاهد شریفه و مواقف کریمه: وَ لَا تَخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ: و محروم مکن پروردگارا از زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاه‌های گرمی.

۱۰. ایمان قلبی و واقعی: فَلَا تُوْحِشْ اسْتِنَاسَ اِيْمَانِي وَ لَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابٍ مِنْ عِبْدِ سِوَاكَ فَانْ قَوْمًا اَمَنُوا بِالْاِسْتِنَاسِ لِيَحْتَقُوا بِهٖ دَعَائِهِمْ فَادْرِكُوْا مَا اَمَلُوْا و اَنَا اَمَنَّا بِكَ بِالْاِسْتِنَانِ وَ قُلُوْبُنَا تَلْعَفُوْا عَنَّا: پس انس ایمانی مرا به وحشت مبدل مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده، قرار مده، زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا به آن وسیله خون خود را حفظ کنند و به این مقصود هم رسیدند، ولی ما به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری.

امام اشاره می‌کند که اقرار به ایمان تنها به لسان کافی نیست و پابرجایی ایمان در دل استوار است و به ایمان گروهی اشاره می‌کند که خدای تعالی از ضمیر آن‌ها به پیامبر خبر داد و فرمود: یقولون بالاسنتهم ماليس في قلوبهم: (چیزی که در دلهایشان نیست با زبان‌هایشان می‌گویند) (فتح/ ۱۷). امام

در فرازی دیگر نیز ایمان خود را معرفی می‌کند: اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ اَحِيْنِي مَا اَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَ تَوَفِّيْ اِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَ اَبْعَثْنِي اِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَ اَبْرءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ الشُّكِّ وَ السَّمْعَةِ فِي دِيْنِكَ حَتَّى يَكُوْنَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ: خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده‌ام داری، به همان ایمان زنده‌ام دار و چون بمیرانیم، بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم، بر همان ایمان برانگیزم و پاک کن دلم را از ریا و شک و خودنمایی

در دینت تا در نتیجه عملم خالص برای تو باشد؛ در فرازی دیگر: اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِي وَ يَقِيْنًا صَادِقًا حَتَّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصِيْبَنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي: خدایا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم مسلماً چیزی به من نرسد جز آن که بر من نوشته‌ای.

۱۱. خشوع: وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ التَّخَاسِعِ اللَّهُمَّ: و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده.

۱۲. امنیت: اللَّهُمَّ اعْطِنِي وَ الْاَمْنَ فِي الْوَطَنِ: خدایا

امنیت در وطن را به من عطا کن.

۱۳. سلامت جسم و دین: اَللَّهُمَّ اعْطِنِي الصِّحَّةَ فِي الْجَسْمِ وَ الْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ: خدایا تندرستی در جسم و نیرومندی در بدن و سلامتی در دین نصیبم گردان.

۱۴. اطاعت از خدا و پیامبر (ص) و ملحق شدن به آن‌ها: وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَدًا مَا اسْتَمَرَّتْ نِي: مرا به طاعت خود و اطاعت پیامبرت که سلام و درود تو بر او و بر اهل بیت پاکش باد، وادار کن؛ در فرازی دیگر:

الحَقْنِي بِوَلِيَّائِكَ الصَّالِحِيْنَ مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْاَخْيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى اَجْسَادِهِمْ وَ اَرْوَاحِهِمْ وَ رَحْمَةِ اللهِ وَ بَرَكَاتِهِ: و ملحقم کن به دوستان شایسته‌ات، محمد و آلش، آن نیکان پاک پاکیزه و برگزیده دروهای تو بر ایشان و بر جسدهایشان و بر ارواحشان و رحمت خدا و برکاتش.

۱۵. لقای الهی: يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ حَبِيْبِ اِلٰى لِقَائِكَ وَ اَحْبِبْ لِقَائِي وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَ الْفَرَجَ وَ الْكِرَامَةَ: ای صاحب جلال و بزرگواری، مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در لقای خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده.

۱۶. رضایت و ترفیع مقام: اَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ اَعْلِ ذِكْرِي وَ اَرْفَعْ دَرَجَتِي وَ حَطِّ وِزْرِي وَ لَا تَذَكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي وَ اجْعَلْ وَ اعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ اِنِّي اَلَيْكَ ثَوَابٌ مَجْلِسِي وَ ثَوَابٌ مِنْطِقِي وَ ثَوَابٌ دَعَائِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِيْنَ: خدایا علمم را بپذیر و نامم را بلند کن و درجه‌ام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده و بده به من ای پروردگار من، تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفزای که من به راستی به سویت مشتاقم ای پروردگار جهانیان. آنچه امام در سراسر دعا تکرار می‌کند طلب بخشش و عفو است که با عبارات مختلف بیان می‌شود. نکته مهم و پایانی، آن است که امام رضایت الهی و بهشت را تنها می‌کند و از آن میان هم رضا را مقدم می‌شمرد. همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: وَعَدَ اللهُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللهِ اَكْبَرُ ذَلِكِ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ (خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی وعده داده است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و نیز (سراهای) پاکیزه در بهشت‌هایی جاودان (به آن وعده داده است) و خوشنودی حد بزرگ‌تر است این است

همان کامیابی بزرگ) (توبه/ ۷۲).

رضایت الهی، عالی‌ترین و بزرگ‌ترین پاداشی است که امام درخواست می‌کند؛ هنگامی که رضایت الهی حاصل شود خواست خدا عین خواست بنده می‌گردد؛ به تعبیر دیگر یعنی راضیه مرضیه، یعنی خدا از بنده راضی است و بنده هم از خدا راضی است.

### نتیجه

هدف از خلقت ظهور انسان‌های کامل و برجسته‌ای است که در بالاترین درجه شناخت حق تعالی قرار دارند و حقیقت عبودیت و بندگی در درونشان جلوه‌گر شده است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، مصداق انسان‌های کامل و برگزیده‌ای هستند که به عنوان الگو، هدایت جامعه بشری را به سوی خداوند عهدمدار شده‌اند. امام سجاد (ع) نیز به عنوان یک انسان کامل که پیوسته با خداوند در ارتباط بوده است خود و نواقصش را در نظر دارد و راه حل کمال خود را در توجه به آن می‌داند. چنین است که به عنوان هدایتگر، ابوابی از معارف و علوم اسلامی از جمله معرفت و شناخت ذات و راه سعادت و نجات انسان را در قالب دعا به روی بندگان می‌گشاید.

\* عضو هیات علمی گروه معارف، دانشگاه پیام نور، واحد

شهر بابک

پانوش‌ها

۱ و ۲. نجاشی، ۱۳۲.

۳. حلی، ۲۹.

۴. دائره‌المعارف تشیع، ۴۰۰/۱.

۵. نجاشی، ۱۳۲.

۶. نجاشی، ۱۳۳.

۷. دائره‌المعارف تشیع، ۴۰۰/۱.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۲. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان.

۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.

۴. حسینی دشتی، سیدمصطفی: معارف و معارفه، قم، انتشارات حجت، ۱۳۷۶.

۵. حلی، علامه یوسف بن مطهر: خلاصه‌الاقوال، قم، دارالذخائر، ۱۳۸۱-۱۹۶۱م.

۶. خرمشاهی، بهادالدین: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، ناهید، ۱۳۷۷.

۷. خرمشاهی، بهادالدین، فانی، کامران، حاج سیدجوادی، احمد یوسفی‌اشکوری، حسن: دائره‌المعارف تشیع، تهران، شهیدسید محبی، ۱۳۷۵.

۸. فراهیدی، خلیل بن احمد عبدالرحمن: کتاب العین، به تحقیق مهدی محزومی و ابراهیم سامرانی، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸م.

۹. المصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، تهران، موسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۳۷۴.

۱۰. نجاشی، ابوالعباس، احمدبن علی: الرجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ ق.